

مقدمه:

سلسله پادشاهی مغولان هند (جغتائیان هند؛ گورکانیان هند؛ تیموریان هند؛ بابریان) که با استیلای نخستین فرمانروای این سلسله *ظهیرالدین بابر* (1526-1530 م) بر سراسر شبه قاره، رسمیت یافته بود، تمامی حکومت‌های کوچک مسلمان را که پس از ضعف سلاطین تغلقی (اواخر قرن هشتم هجری) و لشکرکشی تیمور در سال‌های 801-800 ه.ق شکل گرفته بودند و مناطق سند و پنجاب و هندوستان شمالی تا بنگال و دکن را در اختیار داشتند، به خود منضم ساخت (شعبانی، 1370: 42). مغولان هند (۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ م) بر بخش بزرگی از شبه قاره هند شامل کشورهای امروزی هند، پاکستان، بنگلادش و بخش‌هایی از افغانستان امروزی فرمانروایی کردند (شیمل، 1386: 14). در این سلسله (1273-932 هجری قمری / 1526-1857 میلادی) هفده نفر به پادشاهی رسیدند که در میان آنها شش نفر به نام‌های بابر، همایون، اکبر، جهان‌گیر، شاه جهان و اورنگ زیب، مقتدرترین پادشاهان به حساب می‌آیند (دورانت، 1356: 27).

اگرچه میان ایران و هند از دوران باستان، مراودات فرهنگی و سیاسی برقرار بوده است، اما تأثیر فرهنگ و تمدن ایران بر زندگی اجتماعی و فرهنگی مردمان شبه قاره بیشتر در دوره سلطنت مغولان ژرفا یافت؛ به طوری که صنایع ظریفه دوره صفوی ایران در دربار سلاطین مغول هندوستان مانند همایون، اکبرشاه، جهان‌گیر شاه جهان رایج بود (حسنی، 1353: 66). پادشاهان مغول در هندوستان، حامی زبان و ادبیات فارسی بودند و اکبرشاه فارسی را زبان رسمی اعلام کرد (سدارنگانی، 1345: 43 و 44). در واقع ایرانیان در همه جنبه‌های زندگی مردم شبه قاره در دوره حکومت مغولان، به شدت تأثیر نهادند و آثار آن همه تأثیر و نفوذ به روشنی در هنر شبه قاره هند و پاکستان هویدا است (تمیم داری، 1372: 10 و 11). یکی از این تأثیرات، در هنر نگارگری شبه قاره در این دوره متجلی شده است. هنر نقاشی در هندوستان پیشینه ای طولانی دارد. اگرچه بر روی دیوارهای تعدادی از آثار تاریخی هندوان از جمله غارهای «آجانتا» و معابد مختلف آنان در جنوب شبه قاره، نمونه‌های بسیار جالبی به چشم می‌خورد، اما نگارگری آنگونه که در خدمت کتاب آرایی باشد، در شبه قاره به صورتی که در کشورهای اسلامی رایج بوده، وجود نداشته و تنها در قرن سیزدهم میلادی از ایران به هندوستان راه یافته است (Robinson, 1976: 16).

پرسش محوری این پژوهش آن است که «چه عواملی باعث تأثیرگذاری نگارگری ایران بر نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان شده است؟» پاسخ فرضی مطرح شده برای این پرسش به صورت زیر است: «از مهمترین عوامل باعث تأثیرگذاری نگارگری ایران بر نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان می‌توان به مهاجرت هنرمندان ایرانی به دربار مغولان هند و کشش و جذب‌ه ای که حاکمان مغول، نسبت به نگارگری های ایرانی حساس می‌کردند و نیز دل‌بستگی ایشان به پیوندهای خانوادگی و فرهنگی با خاندان حاکمان دوره تیموری در ایران، اشاره نمود.» در ادامه، با بیان روش‌شناسی و پیشینه پژوهش، به بررسی عوامل تأثیرپذیری نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان از هنر ایران پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش:

روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تاریخی است. از آنجا که شیوه "مطالعه تطبیقی" به عنوان روشی پایه ای در اکثر مطالعات وابسته به عوامل تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در پژوهش کنونی نیز تحلیل‌ها با استفاده از این شیوه به رشته تحریر در آمده است. با استفاده از این روش، نگارگری های دوران حکومت مغولان بر شبه قاره از حیث تاریخچه پیدایش، ساختارها و خصایص صوری این آثار، مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، از روش کتابخانه ای در جمع آوری داد ها استفاده شده است. ابزار گرد آوری اطلاعات نیز شامل شناسه برداری است.

پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌هایی که در زمینه تأثیرات هنر نگارگری ایران بر هنر نگارگری شبه قاره در دوره مغولان انجام گرفته است، می‌توان به چند مورد مهم اشاره کرد، از جمله:

- **مادلین مالاید و هرمان گوتس**، در کتاب «هنر هند و ایرانی؛ هنر هند و اسلامی» (ترجمه یعقوب آژند) که در سال 1376 به چاپ رسیده است، به بررسی

سیر تحول نگارگری هند و ایرانی و هند و اسلامی پرداخته اند و در خلال بحث خود به مساله وام گیری نگارگری هندی از نگارگری ایرانی اشاره نموده اند.

- **آنه ماری شیمل** در کتاب «قلمروی خانان مغول» (ترجمه فرامرز نجد سمیعی) که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است، ضمن بیان تاریخچه ای از شکل گیری حکومت مغولان در سرزمین های مختلف، به روابط فرهنگی و سیاسی مغولان هند با ایران و آسیای میانه پرداخته است.

- **Heeramaneck** در کتاب «شاهکارهای نگارگری هند» (Masterpieces of Indian Painting-From) که نخستین بار در سال 1984 به چاپ رسیده، در سه بخش عمده به بررسی نگارگری های مغولی می پردازد.

- **Amina** در کتاب «مینیا توره های هندی دربار مغول» (Indian Miniatures of the Mughal court) که نخستین بار در سال 1992 چاپ گردیده است، ضمن بیان سیر زندگی مطرح ترین نقاشان دوره سلطنت سه امپراتور خاندان مغول، به بیان ریشه های نگارگری مغولی و زیبایی شناختی ایرانی در دربار مغول پرداخته است.

- **Kossak** در کتاب «نگارگری های دربار هند» (Indian Court Painting) که در سال 1997 به چاپ رسیده است، با تقسیم بندی نگارگری های انجام شده به سفارش سلاطین گورکانی هند، به بیان ویژگی های این آثار می پردازد.

- **Cummins** در کتاب «نگارگری هندی» (Indian Painting) که در سال 2006 به چاپ رسیده است، اشاره ای گذرا به موضوع تاثیر پذیری هنر هندی در دوره گورکانی از هنر ایرانی کرده است.

- **Rawson** در کتاب «نگارگری هندی» (Indian Painting) که در سال 1961 به چاپ رسیده است، از منظر تاریخی به بررسی نگارگری های هندی پرداخته است و در مبحث هنر دوره استیلای مغولان بر هند، ضمن به دست دادن شمایی کلی از هنر درخشان این دوره از تاریخ هنر شبه قاره، به مساله تعاملات هنری هندیان با هنرمندان خاورمیانه به خصوص ایران، افغانستان (خاوران باستان) و آسیای میانه اشاره می کند.

- **Barrett** و **Gray** در کتاب «نگارگری هندی» (Indian Painting) که در سال 1963 به چاپ رسیده است، با مقایسه ویژگی های ظاهری نگارگری های دوره مغول و دوران پیش از آن، تا اندازه ای به موضوع مورد بحث این پژوهش اشاره می کنند.

- **Topsfield** در کتاب «نگارگری هندی» (Indian Painting) که در سال 1994 به چاپ رسیده است، ضمن مرور تاریخچه نگارگری هندی، در فصل نگارگری های دوره خاندان بابر، شکل گیری فضای تازه در نگارگری این دوران و تغییر ساختار ظاهری و روایی این آثار را نتیجه تاثیرات فرهنگ ایران و آسیای میانه می داند.

مهمترین ادوار نگارگری مغولی شبه قاره:

مهمترین ادوار نگارگری مغولی شبه قاره که به نحوی آشکار تحت تاثیر هنر و فرهنگ ایرانی و در نتیجه مراودات فرهنگی میان ایران و شبه قاره شکل گرفته و تکامل یافته است، شامل دوران پادشاهی بابر تا پایان حکومت اورنگ زیب^۱ است. دوران شکوه امپراتوری گورکانی تا اواسط پادشاهی اورنگ زیب بود و پس از وی یعنی در دوران مغول صغیر از قدرت این امپراتوری به شدت کاسته شد و کشور هند که در روزگار اکبرشاه و شاهجهان و اورنگ زیب سیر تمدن و ترقی را آغاز کرده بود رو به ضعف نهاد. بهادرشاه دوم آخرین فرمانروای گورکانی بود که در سال ۱۸۵۷ میلادی تاج و تخت را به انگلیسی ها واگذار کرد. در ادامه، به مرور مهمترین ادوار نگارگری مغولی شبه قاره پرداخته شده است.

دوره سلطنت همایون (1530-1540 و 1555-1556)

چنانکه پیشتر بدان اشاره شد، نخستین حاکم مغولی هند، بابر از نوادگان چنگیز بود. او بسیار به فرهنگ و هنر علاقه مند بود. ابن بطوطه نوشته است که به سال 108 هجری امیر تیمور گورکانی به هند تاخت و لاهور را تاراج کرد و پس از ویرانی ها و خرابیهای بسیار به سمرقند بازگشت. ظهیرالدین بابر از اعقاب تیمور در سال 923 ه.ق لاهور را تسخیر کرد و پس از چندی موسس سلسله مغولان هند شد. خاندان وی در کتب تاریخی به نامهای

جغتائیه، بابریه و تیموریه اشتهاار یافته‌اند. این سلسله که همزمان با شکوفایی و دوران اعتلای صفویان، در شبه قاره اعتبار و قدرت روزافزون یافتند با پادشاهان صفوی روابط نزدیک و صمیمانه برقرار کردند. همایون، شاه هندی به دربار شاه طهماسب اول صفوی پناهنده شد و مورد احترام وی قرار گرفت و پس از چندی با لشکریان فراوانی که شاه طهماسب اول همراه وی فرستاد به هند بازگشت و بر رقیبان خویش غلبه یافت. با اینکه همایون پس از فتح دهلی بیش از یک سال زنده نبود، حضور و فرمانهای او و روابطش با دیگر امیران و شاهزادگان، عامل بسیار مهم و مؤثری در شباقت یافتن دربار مغولان هند به دربارهای ایرانی بود (بیات، 1376: 82). همایون شاه در تبریز با دو نقاش معروف ایران یعنی میرسید علی مصور تبریزی (تصویر 1) و خواجه عبدالصمد شیرازی (تصویر 2) ملاقات کرد و پس از آنکه با کمک قشون ایرانی حکومت هندوستان را مجدداً به دست آورد، با آوردن ایشان به هند، آنان را به کار نگارگری گماشت. کتب بسیاری در این زمان به دست هنرمندان ایرانی مکتوب و مصور گردید (گل نجفی، 1379: 18).

دوره سلطنت اکبرشاه (1556-1605)

اکبرشاه یکی از طرفداران و علاقه‌مندان واقعی هنر به خصوص هنر نگارگری بود. او کارگاهی برای هنرمندان دربار تأسیس کرده و بر کار آن نظارت می‌کرد. اکبرشاه زیر نظر عبدالصمد یکی از معروفترین نقاشان ایرانی، درس نگارگری فرا می‌گرفت. سبک هند و ایرانی با حمایت‌های بسیار او شکوفا گردید و کتاب‌های «بابرنامه»، «رامایانا»، «اکبرنامه»، «تیمورنامه»، «داستان خمسه»، «جامع التواریخ»، «حمزه‌نامه» و... در کارگاه سلطنتی او مصور شد. این کارها فرصتی مغتنم بود برای آموزش نقاشان هندی که زیر نظر استادان ایرانی کار می‌کردند. از نقاشان معروف دوره اکبرشاه، میرسید علی تبریزی، عبد الصمد شیرازی، «داسوانتو»، «باساوان»، «فرخ بیگ» (تصویر 3)، «کالموک»، «مادهو»، «جگن»، «محسن»، «خمکاران»، «ترا» و عید الحامد را می‌توان نام برد. از مهمترین مضامین نگارگری‌های این دوره می‌توان به صحنه‌های رزم، اجتماع مردم و اسب سواران در حال شکار و مجالس بزم شاهانه اشاره کرد (بیات، 1376: 83).

یکی از ویژگی‌های بارز نگارگری مغول در دوره اکبرشاه، کار گروهی نقاشان بر روی یک نگاره بود. به این ترتیب که ابتدا صورت بندی طرح کلی نگاره توسط استاد و نگارگران طراز اول انجام می‌شد و طراحی چهره‌ها و سایر جزئیات نگاره و نیز رنگ‌آمیزی بخش‌های مختلف اثر، توسط هنرمندانی که شاگردان خیره استادان حاضر در کارگاه بودند، انجام می‌شد. بر اساس نوشته‌های مندرج در کتاب‌های برجای مانده از نویسندگان دوره مغولان هند، این رویکرد به ویژه در عهد اکبر شاه، بسیار معمول بوده است (Losty, 1982: 79-80).

در واقع جنبه‌های متعدد آثار نگارگری این دوره، متأثر از سبک و ساختار معمول نگارگری‌های ایرانی در دربار صفوی است. منظره‌پردازی در آثار نگارگری ایرانی از جمله این ساختارها بود که در آن، تصویر را به سطوح متعددی تقسیم می‌کردند که هر یک محدوده مشخصی از فضا را نشان می‌داد. از ترکیب‌بندی‌های معمول این دوره به تصویر کشیدن محوطه کاخ با اشخاصی در درون و بیرون آن بود.

هنرمندان ایرانی، هم زمان با پدید آوردن ترکیب‌بندی‌های نو در تهیه نگاره‌هایی که اغلب به منظور مصورسازی شاهکارهای ادبی بود، روش معمول برای ایجاد نگاره‌ها یعنی استفاده از «طرح مقدماتی» را نیز به نگارگران هندی آموختند. در این شیوه، هنرمند می‌توانست طرحی را که برای تابلو خاصی تهیه کرده است، الگوی تابلوهای متعدد دیگر نیز قرار دهد. به تحقیق، شمار بسیاری از ترکیب‌بندی‌های رایج در برخی از کارگاه‌های ایرانی نیز در نتیجه پیروی از همین اسلوب شکل گرفته است (Binyon and others, 1933: 98).

دوره سلطنت جهانگیرشاه (1605-1628):

جهانگیر شاه وارث اکبر شاه که خود نیز نقاش زبردستی بود، بیشتر به نگارگری از وقایع روزمره، گل‌ها، پرندگان و حیوانات و زاهدان (مرتاضان) هندی علاقه داشت. در زمان جهانگیرشاه، تغییر شیوه کتاب آرایی از توالی تصاویر، به صفحات مجزا و نامتصل به وقوع پیوست. آشنایی با نگارگری اروپایی هم باعث رواج طبیعت‌گرایی در آثار نگارگری شد. از مهمترین نقاشان دوره جهانگیر می‌توان به «عبد الحامد»، «بیشانداس» (تصاویر 4 و 5)،

«مانوهر»، «گوارداهان»، «میسکین»، منصور و ابو الحسن اشاره کرد (گل مجدی، 1379، ص 19).

دوره سلطنت شاه جهان (1628-1658):

تلاش بی‌وقفه شاه جهان برای احیای شکوه حکومت مغول در دوره نخستین حاکمان این سلسله، باعث شد تا وی به اهداف بلند پروازانه‌ای بیانید که در بنای **تاج محل** تجلی یافته است. نقاشی از تک چهره مشاهیر در زمان شاه جهان بسیار متداول شد و نمایش خصوصیات فردی شخصیت‌های تصویر شده، بیش از پیش مورد توجه نگارگران واقع شد. زندگی سلطنتی، مراسم گروهی آیینی، مجالس بزم شبانه، اجتماع صوفیان و نمایش زنان، در کنار نقاشی از تک چهره مشاهیر، از مهمترین مضامین آثار نگارگری این دوره محسوب می‌شود. موضوع مشخص خیردار ایستادن جوانان روبه‌روی یکدیگر، یکی دیگر از مضامین خاص آثار نگارگری این دوران است. همچنین بکارگیری «نیم‌قلم» در طراحی بسیار متداول شد. مجموعه آثار نگارگری به وجود آمده در کارگاه سلطنتی شاه جهان، به خاطر حاشیه‌های گلدارشان، دارای شهرت اند. «فاخر الله»، «بیچتر»، و «آنوپ چاتار» (تصویر 6) از مهمترین نقاشان این دوره اند (ترکمانی، 1388: 68).

دوره سلطنت اورنگ زیب (1658-1707):

دوره سلطنت اورنگ زیب را می‌توان آغاز انحطاط سبک نگارگری «هند و ایرانی» برشمرد. او بسیار متعصب بود و از همین روی، تمامی کارگاه‌های پایتخت را تعطیل کرد. با این حال، مقامات رسمی در زمان سلطنت وی، نقاشان را به خدمت گرفتند. اگرچه کاخ‌های راجستان، دکن و تپه‌های پنجاب محل اجتماع هنرمندان نگارگر دوره سلطنت اورنگ زیب محسوب می‌شد، اما نگارگری به واسطه عدم برخورداری از حمایت شخص شاه، و علی‌رغم حمایت دیگر سران حکومتی، پس از چندی رو به انحطاط نهاد. در این آثار، تکنیک‌های نگارگری به نحو مشهودی تضعیف شد و صورتی تزئینی و در اصطلاح «بازاری» یافت (ترکمانی، 1388: 69).

خصایص عمده نگاره‌های سبک هند و ایرانی

یکی از ویژگی‌های سبک «هند و ایرانی»، توجه بسیار به بازنمایی چهره واقعی اشخاص است که این امر به رواج «تک چهره سازی» در این دوران انجامید. این سبک عامی‌ترین سبک نگارگری هند محسوب می‌شود. در این سبک بیشتر، تصاویر امیران و شاهان، زنان و مردان درباری، سرداران و حتی نقاشان مورد توجه قرار گرفته است. نگارگری شبه قاره، در ابتدا یک عنصر تزئینی برای آرایش تصویری متون ادبی به شمار می‌رفت، اما بعدها صفحاتی مجزا را به خود اختصاص داد. اما با این همه، خصایص اصلی خود مانند مسطح بودن، عناصر تزئینی، طراحی عالی و رعایت واقع‌گرایی در نمایش جزئیات را حفظ کرد. این نگارگری‌های مستقل بر روی کاغذهای مجزای لاک‌ی کار شده و توسط علاقه‌مندان به هنر نگهداری می‌شد (ترکمانی، 1388: 66). از لحاظ فنی قواعد تصویری نگارگری مغول تا پایان دوره سلطنت شاه جهان (1628-1658) از نمونه‌های ایرانی خود پیشی‌گرفت. ظرافت خطی بسیار کنترل شده و طراحی دقیق در آثار میر سید علی و عبد الصمد از ویژگی‌های خاص نگارگری ایران بود که به‌طور وسیع در دربار مغولان مورد توجه قرار گرفت. تردیدی نیست که صدها نقاش هندی نیز از قواعد خطی ویژه نگارگری ایرانی استفاده می‌کردند، اما این چیزی بود که آنها به‌تازگی و از طریق نقاشان ایرانی به آن دست یافته بودند. در این دوران دوباره ویژگی‌های نگارگری ایرانی در مورد ترسیم خطوط بسیار ظریف رایج شد و نوعی سایه‌رنگ در این آثار به کار برده شد. از این‌رو تأثیر ویژگی‌های نگارگری ایران را بر این‌گونه تصاویر سایه روشن پر جلوه، در بسیاری از نگارگری‌های مغول می‌توان مشاهده کرد. در این آثار، تصاویر کوه‌ها، صخره‌ها، گل‌ها و ساختمان‌ها همسو با قواعد زیبایی‌شناختی نگارگری ایرانی که به نمایش شکل واقعی اشیا و نه شکل دیداری آنها می‌پردازد، صورت بندی شده است؛ از جمله، به‌کارگیری رنگ‌های درخشان برای معطوف کردن چشم به موضوعات اصلی را می‌توان در آثار نگارگری فرخ بیگ (تصاویر 7 و 8) شریف و آقا رضا مشاهده کرد (ترکمانی، 1388: 69). به نظر می‌رسد، طبیعت‌گرایی بخش مهمی از دغدغه نگارگران سبک هند و ایرانی بوده و بدن جهت، به تدریج، مضامین مورد توجه در آثار نگارگری از موضوعات حماسی به عاشقانه و بزمی تغییر یافت. همزمان، نگارگری سبک هند و ایرانی، از نمایش عالم مثالی به دنیای انسان‌های واقعی و زمینی روی آورد تا سرانجام در قرن 17 میلادی،

تصویر شاه یا پسرانش، به وسیله‌ای برای بیان ایده‌های فلسفی بدل شدند (ترکمانی، 1388: 71).

عوامل تاثیرپذیری نگارگری شبه قاره در دوره مغولان از هنر ایران:

نگارگری ایرانی به ویژه از قرن هشتم هجری قمری، به الگویی برای درک زیبایی‌شناسی هنرمندان سرزمین‌های همجوار بدل گردید که از آن میان می‌توان به تأثیر نگارگران هندی به ویژه در کتاب آرایه‌ی نسخ خطی فارسی در دوران استیلای مغولان بر شبه قاره اشاره کرد. در واقع فرهنگ نگارگری هنرمندان هندی در عصر مغولان، توسط هنرمندان دوره تیموری در ایران و شرق آسیا شکل گرفت. آثار نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان، به گونه‌ای چشم‌گیر معرف نفوذ هنر نگارگری ایرانی است. همایون در هنگام حضور خود در ایران نسبت به نگارگری‌های دوره صفویه علاقه بسیاری احساس می‌کرد (ورجواند، 1351: 26-27).

مهاجرت هنرمندان ایرانی به دربار مغولان هند از سرنوشت سازترین عوامل پیوند میان سنت‌های هنری ایران و شبه قاره است. عده کمی از هنرمندان، مانند میرسید علی تبریزی و عبدالصمد شیرازی، بنا به دعوت فرمانروایان مغول به هند رفتند؛ اما بیشتر ایشان، از جمله میر تقی‌باقر فرزند میرعلی هروی (هنرمند مکتب تبریز)، ظاهراً خود به هند سفر می‌کردند (Okada, 1992: 146-147).

یکی دیگر از علل تعدد و دوام مناسبات هنری میان ایران و هند در دوره مغولان هند، اشتیاق ایشان به هنر نگارگری و خوشنویسی ایران بود؛ اشتیاقی که خود با تأکید بر پیوندهای خانوادگی و فرهنگی تیموریان تقویت می‌شد. بابر، در زندگی‌نامه خود نوشته‌اش؛ با برنامه، حرمت زیادی برای میراث فرهنگی و هنری تیموریان قایل شده است (Babur, 1994: 71). همچنین می‌توان به آثار نویسندگان هندی این دوره اشاره کرد که نگارگری کمال الدین بهزاد² و خطاطی سلطان علی مشهدی³ را اوج تعالی هنری ایران بعد از ورود اسلام و معیاری برای سنجش کیفیت کار هنرمندان دیگر در دوره‌های بعد خوانده‌اند (Allami, 2009: 108-109, 113).

همچنین مغولان هند، کتاب‌های مربوط به هنرمندان بزرگ یا حامیان آنان در عصر تیموری را بسیار گرامی می‌داشتند. یکی از این کتابها شاهنامه‌ای است که برای مجلی جوکی، نواده تیمور، ساخته شد و به بابر رسید و بعد به دست همایون شاه، اکبر شاه، جهانگیر شاه، شاه جهان و اورنگ زیب افتاد. نسخه‌ای از ظفرنامه، به خط سلطان علی مشهدی، حتی از آن هم اهمیت بیشتر یافت. این نسخه شامل مکتوباتی از اکبرشاه و جهانگیرشاه است. در این کتاب وقایع مهم و کلیدی زندگی تیمور در نگاره‌هایی دو صفحه‌ای به تصویر کشیده شده و این خود شاید الگویی برای ثبت و ضبط تاریخ‌نامه‌های مغولان هند، از جمله اکبرنامه یا جهانگیرنامه فراهم آورده باشد. همچنین است نسخه‌ای از خمسه نظامی. نگارگری‌های موجود در این نسخه نشان می‌دهد که هنرمندان نگارگر شبه قاره از نگارگری‌های ایرانی هم مثنی‌سازی می‌کرده‌اند و هم اقتباس آزادانه.

1- نقاش چیره‌دست دوره تیموری و صفوی که در دوره حکومت سلطان حسین بایقرا در هرات و شاه اسماعیل صفوی در تبریز فعال بوده و نام او همواره بیانگر اوج مهارت هنری در نقاشی این دوران است. از جمله معتبرترین منابع موجود درباره وی، می‌توان به نوشته‌های اشخاصی چون خواندمیر، ظهیرالدین بابر و میرزا حیدر دوغلات، دوست مجلی، قاضی احمد قمی و اسکندر بیک منشی اشاره کرد (پرسیلا و شادکام، 1382: 94).

2- نظام الدین سلطانی معروف به سلطان‌علی مشهدی (۹۲۶-۸۳۹ ه.ق/۱۵۲۰-۱۴۳۵م) ملقب به «سلطان الخطاطین» از خوشنویسان ایرانی و از معروفترین نستعلیق‌نویسان قرن نهم و دهم ایران است. هیچ یک از نستعلیق‌نویسان قدیم در زمان خود به اندازه او صاحب شهرت نشده‌اند. تمام کتبی‌های مصر، مدارس هرات را که از بناهای سلطان حسین بایقرا و امیر علیشیر نوائی است، سلطان‌علی به خط نستعلیق اعلا جلی نوشته است. شیوه او در نستعلیق‌نویسی نزد خوشنویسان دربار مغولان هند بسیار مورد توجه بود (فضایلی، ۱۳۶۲: ۴۷۱-۴۶۲). او به سال ۸۴۱ در مشهد متولد شد و پس از کسب کمالات به دربار سلطان ابوسعید گورکانی و سلطان حسین بایقرا راه یافت. سلطان علی مشهدی در سن ۸۵ سالگی در سال ۹۲۶ بدرود حیات گفت. وی شاگرد مولانا اظهر تبریزی بود و شاگردانی چون سلطان مجلی نور، سلطان مجلی خندان و میرعلی هروی را تعلیم داد (پساوولی، 1360: 137). مهمترین تالیف او رساله منظومی است در قالب مثنوی که به قواعد خط پرداخته که بعدها به آن عنوان «صراط السطور» را داده‌اند و میرعلی هروی آنرا «صراط الخط» نامیده است؛ هرچند خود سلطان‌علی، هیچ نامی بر آن ننهاده بود (فضایلی، 1362: 466).

کتابهایی که فرمانروایان مغول گرد آورده اند، اقبال ایشان را به نگارگری و خط ایرانی محرز می‌کند (Bloom & Blair, 2009: 226-227).

به طور کلی، گرایش هنرمندان شبه قاره در دوره حکومت مغول به هنرهای تصویری ایران و نفوذ قواعد هنر ایرانی در آثار نگارگری این کشور، متأثر از دو منبع بوده است: نخستین منبع وجود تعداد زیاد نسخ خطی مصور و غیرمصور در کتابخانه های شاهان مغول است. از آن جمله، وجود شواهد مستندی همچون یادداشتهای خطی یا مهر امپراطوری مغول ثابت می‌کند که بابر و نیاکان او شاهنامه‌ای داشتند که در ابتدا برای مجذوبی جوکی نوه تیمور تهیه و مصور شده بود. (بعدها در سال 1440 میلادی کپی‌برداری از روی آن صورت گرفت). بر روی این نسخه خطی مصور مهر شش امپراطور آغازین سلسله مغولان هند به چشم می‌خورد. علاوه بر آن می‌توان به کتابهای خطی مصور ایرانیان مانند «ظفرنامه» اثر شرف‌الدین یزدی اشاره کرد که به وسیله میر شیرعلی برای سلطان حسین میرزا با تصاویری از اکبرشاه و جهانگیرشاه اشاره کرد که در حدود سالهای 1467-1468 میلادی، در آن برخی نگاره های منسوب به بهزاد توسط نقاشان دربار مغولان هند مثنی سازی شد. نگاره مثنی سازی شده «یوسف و زلیخا» متعلق به شاهزاده کامران که دارای مهر دوران شاه جهان است و نگاره های مثنی سازی شده از روی نسخه مصور خمسه نظامی مربوط به اواخر قرن پانزدهم متعلق به دوران جهانگیر شاه و شاه جهان نیز از آن جمله اند. این نسخ خطی مصور در نزد شاهان مغول بسیار محبوب بود و نگارگری‌های موجود در آنان منبع خوبی برای الگو گرفتن نگارگران مغول محسوب می‌گردید. علاوه بر نسخ خطی، حاکمان مغولی شبه قاره، مالک بسیاری از نسخ پر ارزش نگارگری مرقع بودند. به‌طور مثال در مرقع گلشن، نگارگری های زیادی منسوب به بهزاد به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به نگارگری دو صفحه‌ای «سلطان حسین در باغ»، «جوای ایستاده با ردایی راه راه و ثنکی در دست» و «شاهزاده‌ها در عمارت کلاه فرنگی» نام برد که با ویژگی مکتب تبریز در بین سالهای 1550-1540 هم خوانی دارند. این آثار، احتمالاً بخشی از هدایایی بوده است که توسط شاهان صفوی ایران برای حاکمان مغول شبه قاره از طریق هیئت مأموران سیاسی دو کشور فرستاده می‌شد. (ترکمانی، 1388: 67) دومین منبع، ورود شمار زیادی از هنرمندان نگارگر ایرانی به هند است که منجر به تأثیرگذاری نگارگری ایرانی بر نگارگری دوره حاکمیت مغولان گردید. بدین ترتیب، نگارگری مغول در محیط رشد و توسعه یافت که نتیجه توسعه روابط فرهنگی بین شبه قاره و آسیای مرکزی و ایران بود. اگرچه سنگ بنای ورود هنرمندان نگارگر ایرانی به دربار مغولان هنر را همایون شاه نهاد، اما بعد از فوت همایون، آنان به همراه سایر هنرمندانی که خودخواسته قدم به کارگاه های هنری دربار حاکمان مغول نهادند، موجب رواج و توسعه هنر نگارگری ایران در هندوستان شدند. (خلوصی راد، 1369: 153) یکی از شاخص‌ترین مضامینی که به طور کامل مورد پذیرش شاهان مغول هند واقع شد، نگاره های ساخته شده برای اشعار عارفانه ایرانی بود که جز در کشور هند، در تمامی سرزمین‌های اسلامی نیز مقبولیت عام یافت. از جمله این آثار می‌توان به نسخه مصور دیوان امیر خسرو دهلوی، نسخه مصور دیوان امیر شاهی، نسخه مصور دیوان حافظ، نسخه مصور خمسه نظامی، نسخه مصور خمسه امیر خسرو و انوار سهیلی (مشهورترین ترجمه کلیده و دمنه به فارسی در میان فارسی زبانان هند) و نسخه مصور بوستان و گلستان سعدی اشاره کرد. علاوه بر این آثار، کتابهای مربوط به تاریخ مغولان هند از قبیل اکبرنامه، بابرنامه، جهانگیرنامه، پادشاهنامه، جامع التواریخ و چنگیزنامه نیز با پیروی از قاعده تصویری نسخ خطی شاهنامه و ظفرنامه به نگارگری مزین و مورد توجه شاهان مغول هند واقع شدند و در سراسر سرزمین‌های اسلامی رواج یافتند. ترکیب بندی و شیوه پیکرنگاری در این آثار، همانند نمونه های ایرانی انجام گرفته است. برای مثال در نسخ خطی خمسه نظامی یا خمسه امیر خسرو، نگارگری‌های مربوط به «تماشای حمام کردن شیرین در برکه توسط خسرو»، «دیدار شیرین و فرهاد در حالی که فرهاد با شکافتن کوه بیستون راه را برای شیرین همواره می‌کند»، «لیلی و مجنون در مکتب»، «مجنون در بیابان» و «بهرام گور در قصر همراه با هفت شاهدخت زیباروی» برخی از موضوعات مشخص نقاشان ایرانی بودند که نقاشان مغول نیز از آنها الگو برداری کردند. بعدها قواعد بصری ویژه نگارگری ایرانی توسط نقاشان مغول هند بسط و توسعه یافت (ترکمانی، 1388، ص 68).

نتیجه گیری

عوامل متعددی به ارتباط میان هنر ایرانی و هند شبه قاره در دوره حکومت مغولان دامن می‌زده‌اند. بر اساس مباحث مطرح شده، مقدمات بروز تحول در هنر نگارگری هند، همزمان با ورود همایون شاه به دربار شاه طهماسب صفوی شکل گرفته است. آشنایی او با هنرمندان مکتب‌های تبریز، قزوین، اصفهان و شیراز در دوره صفوی، به دعوت هنرمندان ایرانی برای ایجاد کتابخانه‌ای در هند از سوی همایون شاه منجر شد. با مرگ همایون شاه در دهلی و جانشینی اکبرشاه، هنرمندان ایرانی نه تنها به مصور کردن نسخ خطی نویسندگان و شعرای ایرانی پرداختند؛ بلکه به تربیت هنرمندان بومی نیز، که بعدها در شکوفا کردن هنر نگارگری هند نقش مؤثری داشتند، اقدام کردند. آثار نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان، به گونه‌ای چشم‌گیر معرف نفوذ هنر نگارگری ایرانی است. هنر نگارگری مغولی هند (سبک هند و ایرانی)، که در ابتدا تحت تأثیر مکتب نگارگری صفویه بود، مقارن با ورود انگلیسی‌ها و پرتغالی‌ها به هندوستان، در معرض تأثیرات هنر غرب قرار گرفت. میل حاکمان مغول هند به حفظ پیوندهای فرهنگی با ایران، به دلیل خویشاوندی شان با حاکمان دوره تیموری ایران، برای ایشان اهمیت قابل توجهی داشته است. به طور کلی، گرایش هنرمندان شبه قاره در دوره حکومت مغول به هنرهای تصویری ایران و نفوذ قواعد هنر ایرانی در آثار نگارگری این کشور، متأثر از دو منبع بوده است: نخستین منبع وجود تعداد زیاد نسخ خطی مصور و غیرمصور در کتابخانه‌های شاهان مغول و وجود پیوندهای خانوادگی و فرهنگی مغولان هند با خاندان حاکمان دوره تیموری در ایران است و دومین منبع، ورود شمار زیادی از هنرمندان نگارگر ایرانی به هند است که منجر به تأثیرگذاری نگارگری ایرانی بر نگارگری مغول گردید. در واقع، مهاجرت هنرمندان ایرانی به دربار مغولان هند از سرنوشت سازترین عوامل پیوند میان سنت‌های هنری ایران و شبه قاره است. در نتیجه فرضیه این پژوهش به صورت زیر مورد پذیرش واقع می‌شود: از مهمترین عوامل تأثیرگذاری نگارگری ایران بر نگارگری شبه قاره در دوره حکومت مغولان می‌توان به مهاجرت هنرمندان ایرانی به دربار مغولان هند و کشش و جذب‌ها ای که حاکمان مغول، نسبت به نگارگری‌های ایرانی دوره صفوی احساس میکردند و نیز دل‌بستگی ایشان به پیوندهای خانوادگی و فرهنگی با خاندان حاکمان دوره تیموری در ایران، اشاره نمود.

KAYNAKÇA

- بیات، نصرالله، (1376). تاریخچه روابط سیاسی و فرهنگی ایران و شبه قاره، نامه پارسی، شماره 6، تهران: 85-76.
- Beyat, N. (1376). *Tarihçeye Revabet-e Ferhengi ve Siyasi İnan ve Şebhe Karreh. Name-i Farsi*, 0(6), Tahran, 85-76.
- پریسیلا، سوچک و شادکام، مولود، (1382). کمال الدین بهزاد، کتاب ماه هنر، شماره 63 و 64، تهران: 97-94.
- Perisila, S. ve Shadkam, M. (2003). *Kemaleddin Bihzad. Kitab-i Mah-i Hüner*, 0(63-64), Tahran, 94-97.
- ترکمانی، احمد، (1388). مرقع گلشن، کتاب ماه هنر، شماره 129، تهران: 71-66.
- Turkmani, A. (1388). *Murakka -i Gülşen. Kitab-i Mah-i Hüner*, 0(129), Tahran, 66-71.
- تمیم داری، احمد، (1372). پیوندهای فرهنگی ایران و هند، کیهان فرهنگی، شماره 99، تهران: 13-10.
- Temimdari, A. (1372). *Peyvendhay-i Ferhengi İnan ve Hint. Keyhan Ferhengi*, 0(99), Tahran, 10-13.
- حسینی، زهرا، (1353). نمونه‌های صنایع ظریفه ایران زمان هخامنشی و ساسانی در هندوستان و ارتباط آن با بودا و مذهب بودایی، چاپ اول، تهران: میهن.
- Heseni, Z. (1353). *Nemunehay-e Senayi-i Zerife İnan-i Zaman Hehamenşi ve Sasani der Hindustan ve İrtibat-i an ba Mezheb-i Budayi. Çap-i Evvel*, Tahran: Mihen.
- خلوصی راد، ذبیح‌الله، (1369). شمه ای از رابطه تمدن و هنر ایران در شبه قاره، مشکوه، شماره 27، تهران: 156-150.
- Hulusi Rad, Z. (1369). *Şimmei Ez Rabite-i Temeddun ve Hüner-i İnan der Şebhe Karreh. Mişkat*, 0(27), Tahran, 150-156.

- دورانت، ویلیام چیمز، (1356). اختناق هندوستان، چاپ اول، ترجمه ر. نامور، تهران: نشر گام سحر.
- Duranate, W. J. (1356). *İhtinak-i Hindustan*. Çap-i Evvel, Tercüme-i R. Nâmver, Tahrân: Gam-i Seher. سدارنگانی، هرامل، (1345). پارسی‌گویان هند و سند، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- Sedarengani, H. (1345). *Parsi Guyan-i Hint ve Sint*. Çap-i Evvel, Tahrân: Bünyad-i Ferheng-i İrân. شعبانی، رضا، (1370). نقش ایرانیان در رشد و اعتلای فرهنگی شبه قاره هند، نامه فرهنگ، شماره 3، تهران: 40-43.
- Şebâni, R. (1370). Nakş-i İtaniyan der Rüşţ ve İtilay-i Ferhengi Şebhe Karreh-i Hint. *Name-i Ferheng*, 0(3), Tahrân, 40-43. شهریار نقوی، سید حیدر، (1353). تجلیات زبان و فرهنگ ایران و هند و پاکستان، هنر و مردم، شماره 144، تهران: 49-56.
- Şehriyar-Nekevi, S. H. (1353). Tecelliyat-i Zeban ve Ferheng-i İrân ve Hint ve Pakistan. *Hüner ve Merdum*, 0(144), Tahrân, 49-56. شیمل، آنه ماری، (۱۳۸۶). در قلمروی خانان مغول، چاپ اول، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر.
- Schimmel, A. M. (2007). *Der Kalemro-e Hânân-i Moğol*. Çap-i Evvel, Tercüme-i Feramerz Necd Semie, Tahrân: Emir Kebir. گل نجفی، فریبا، (1379). تاریخ اجمالی هنر هند، کتاب ماه هنر، شماره 22، تهران: 14-18.
- Gülmuhammedi, F. (1379). Tarih-i İcmali-e Hüner-i Hint. *Kitab-i Mah-i Hüner*, 0(22), Tahrân, 14-18. فضایی، حبیب‌الله، (۱۳۶۲). اطلس خط، چاپ دوم، اصفهان: مشعل.
- Feza'ili, H. (1983). *Atlas-i Hat*. Çap-i Dovvom, İsfahan: Meşal. ورجاوند، پرویز، (1351). سیری در هنر ایران و دیگر سرزمین های اسلامی، هنر و مردم، شماره 117، تهران: 17-27.
- Vercavend, P. (1351). Seyr-i der Hüner-i İrân ve Diğer Serzeminhay-i İslami. *Hüner ve Merdum*, 0(117), Tahrân, 17-27. هالاید، مدالین و گوتس، هرمان، (1376). هنر هند و ایرانی؛ هنر هند و اسلامی، چاپ اول، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- Halliday, M. ve Goetz, H. (1997). *Hüner-i Hint ve İrani; Hüner-i Hint ve İslami*. Çap-i Evvel, Tercüme-i Yakub Ajend, Tahrân: Mola. یساولی، جواد، (1360) پیدایش و سیر تحول هنر خط، چاپ دوم، تهران: یساولی.
- Yasavoli, C. (1981). *Peydaveş ve Seyr-i Tehevul-i Hüner-i Hat*. Tahrân: Yasavoli.
- Losty, J. P. (1982). *The Art of the Book in India*. Michigan: The University of Michigan.
- Binyon, L.; Wilkinson, J. ve Gray, B. (1933). *Royal Academy of Arts (Great Britain)*. Minnesota: Dover Publications.
- Babur, Z. (1994). *The Babur-Nama in English (Memoirs of Babur)*. Delhi: Low Price Publications.
- Allami, A. (2009). *The Ain-i Akbari, (Vol. 1)*. Piscataway: Gorgias Press.
- Blair, S. (2009). *The Grove Encyclopedia of Islamic Art & Architecture: Three-Volume Set*. Oxford: Oxford University Press.
- Okada, A. (1992). *Indian Miniatures of the Mughal Court*. Michigan: The University of Michigan.
- Robinson, W. (1976). *Persian Paintings in the India Office Library*. New York: Sotheby Parke Bernet.
- Majumdar, R. C. (Ed.). (1984). *The History and Culture of the Indian People: Vol. 8. The Mughal Empire*. Mumbai: Bharatiya Vidya Bhavan.
- The Metropolitan Museum of Art (2021). www.metmuseum.org adresinden 09.03.2021 tarihinde erişildi.
- Victoria and Albert Museum (2021). www.vam.ac.uk adresinden 09.03.2021 tarihinde erişildi.
- Aga Khan Museum (2021). www.agakhanmuseum.org adresinden 09.03.2021 tarihinde erişildi.
- Christie's (2021). www.christies.com adresinden 09.03.2021 tarihinde erişildi.

تصاویر:



تصویر شماره (1): نگاره ای اثر میرسید علی مصور
تبریزی با موضوع شکار
منبع تصویر:
<https://www.metmuseum.org>



تصویر شماره (2): نگاره ای اثر خواجه عبدالصمد شیرازی
منبع تصویر:

<https://www.metmuseum.org>

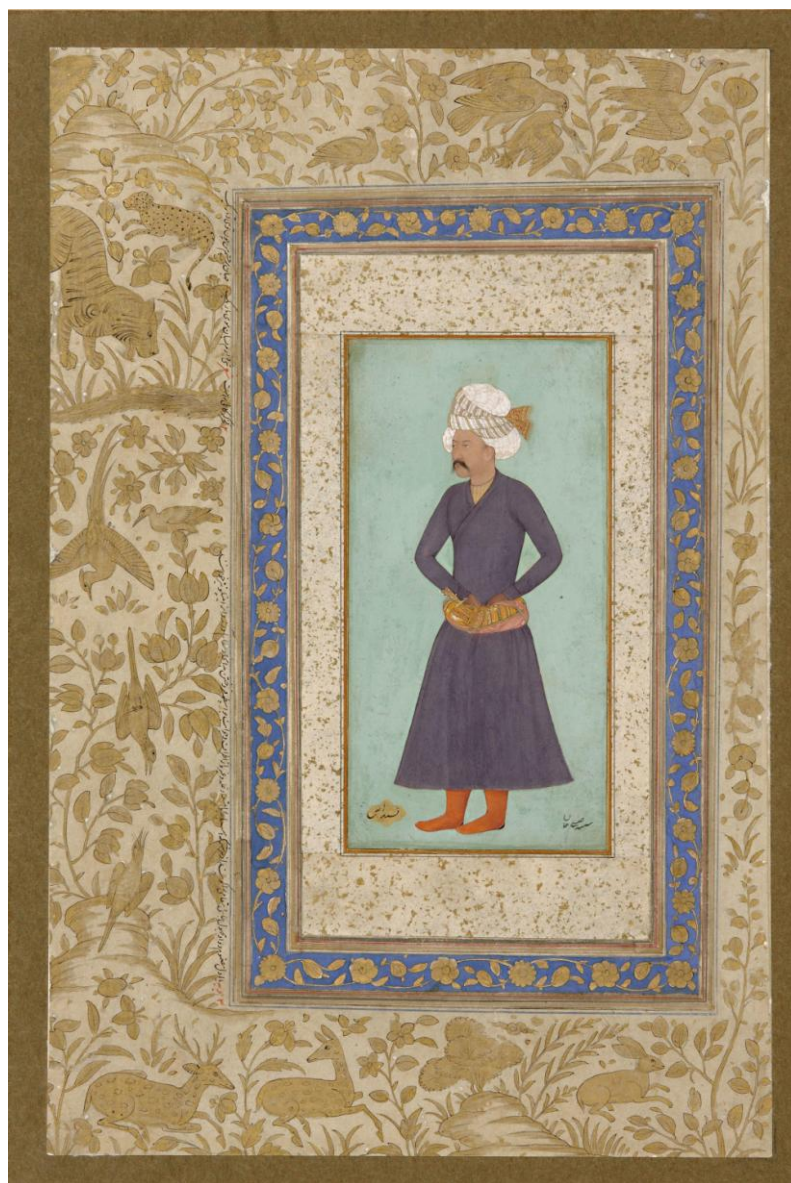


تصویر شماره (3): نگاره ای اثر فرخ بیگ
منبع تصویر:

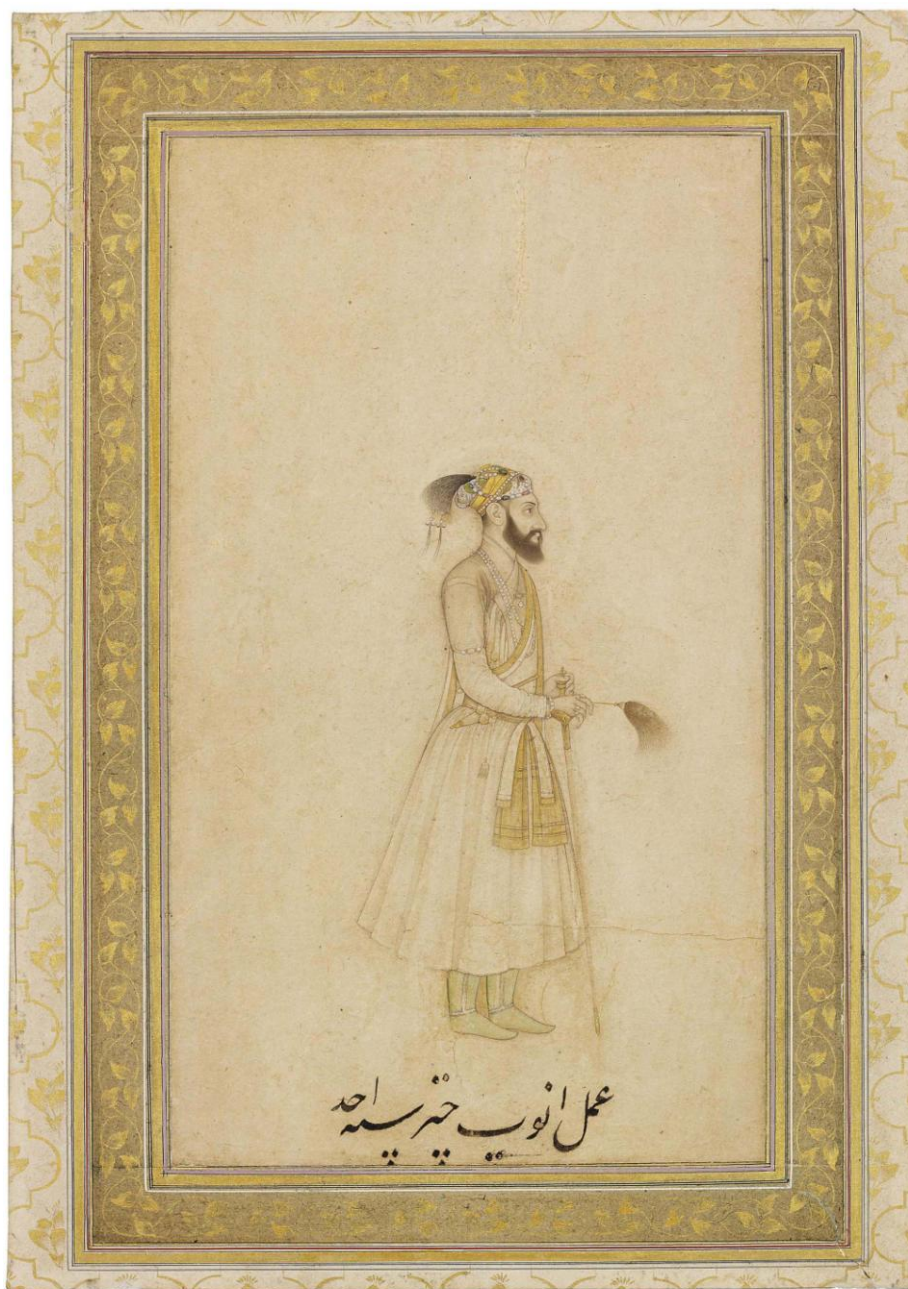
<https://www.vam.ac.uk>



تصویر شماره (4): نگاره ای اثر بیشانداس
منبع تصویر:
<https://www.metmuseum.org>



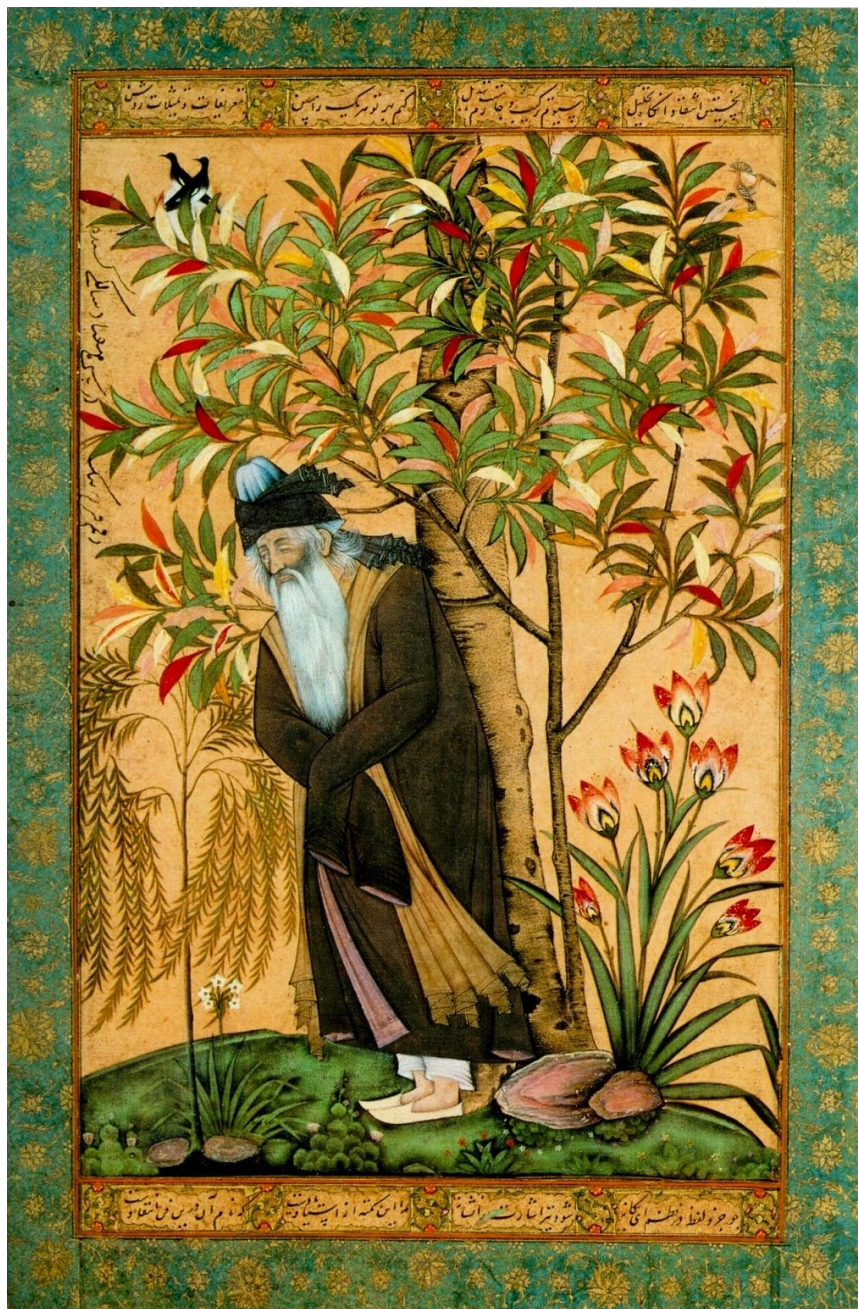
تصویر شماره (5): نگاره ای از عیسی خان
قورچی باشی اثر بیشانداس
منبع تصویر:
<https://agakhanmuseum.org>



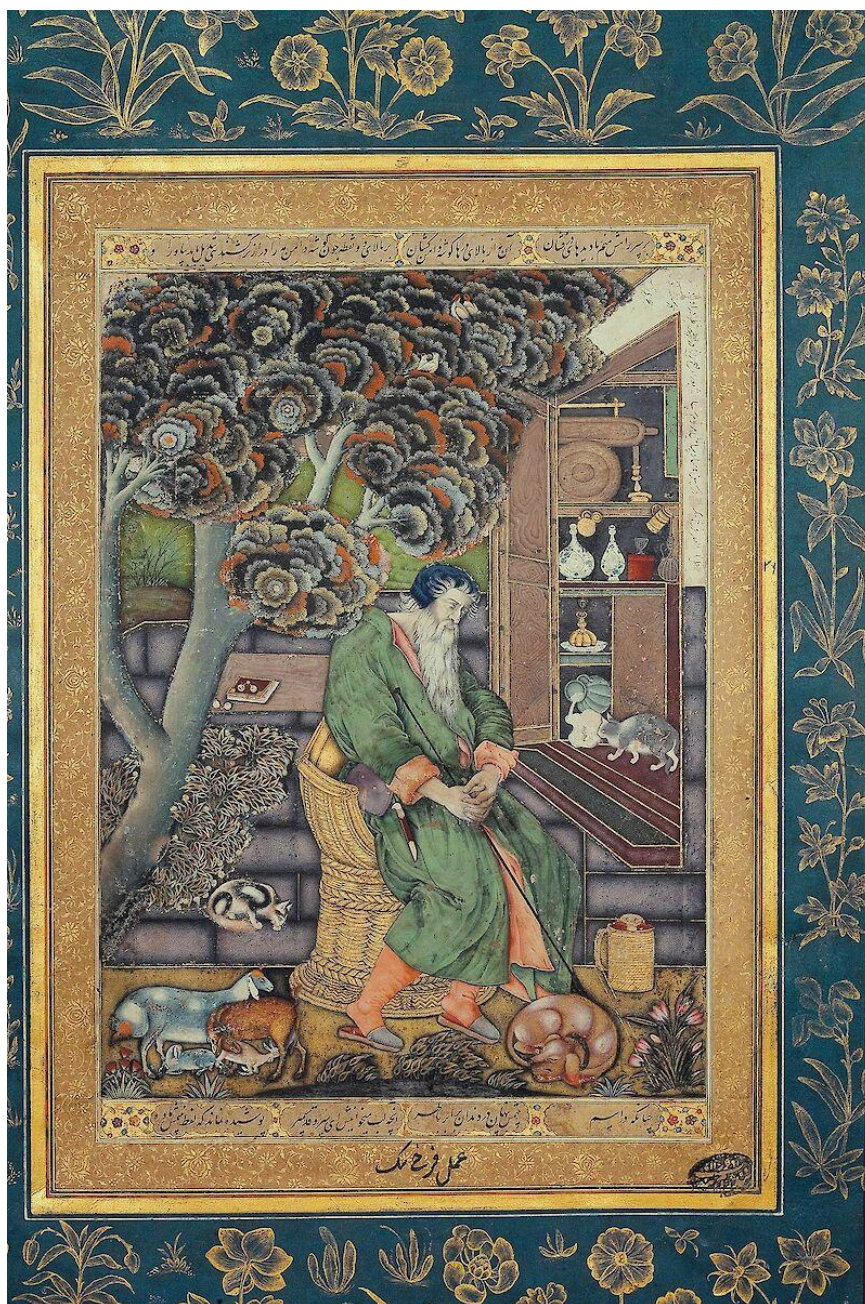
تصویر شماره (6): نگاره ای از اورنگ زیب اثر آنوپ چاتار

منبع تصویر:

<https://www.christies.com>



تصویر شماره (7) : نگاره ای اثر فرخ بیگ
منبع تصویر:
<https://www.vam.ac.uk>



تصویر شماره (8): نگاره ای اثر فرخ بیگ

منبع تصویر:

<https://www.vam.ac.uk>

